

معیار معقول بودن در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و تبیین آن از سوی شعب مقدماتی

ابوالفتح خالقی *

زهرا ساعدی **

شناسه دیجیتال اسناد (DOI): 10.22066/CILAMAG.2018.31889

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۳

چکیده

در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، معیارهایی مقرر شده که بررسی هر وضعیت اتهامی، مستلزم احراز آن‌هاست. این معیارها، هم برای دادستان و هم برای شعب مقدماتی محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند تا آرمان تأسیس دیوان که رسیدگی به شدیدترین جنایات بین‌المللی است، برآورده شود. این معیارها بر مدار معقولیت بنیان نهاده شده است؛ به این معنا که باید مینا یا قرائن معقولی باشد تا بتوان مطنونی را به دادستانی معرفی یا به شعب مقدماتی احضار کرد. انتظار به‌جا و صحیح از معقولیت رویه دیوان، مستلزم روشن بودن مفهوم این معیارها و وضوح معیار معقول بودن است.

موضوع این پژوهش تفسیری - تحلیلی، بررسی این معیارها از نظر مفهوم معقول بودن، از ابتدای شروع بررسی مقدماتی تا تأیید اتهام شخص مظنون نزد شعب مقدماتی است. نتیجه اینکه مضامین حقوقی مندرج در اساسنامه که واضح نباشد، موجب بروز تفاسیر مختلف و احیاناً منتهی به صدور آرای متهاافت می‌شود و مقبولیت دیوان را با چالش مواجه می‌کند.

واژگان کلیدی

دیوان کیفری بین‌المللی، معقول بودن، بررسی مقدماتی، دستور جلب (قرار بازداشت)، تأیید اتهام

* ab-khaleghi@qom.ac.ir

** zahrasaedi84@gmail.com

* نویسنده مسئول، دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه قم

** دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه قم

مقدمه

همان‌گونه که در مقدمه و ماده ۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی آمده است، هدف از تأسیس دیوان، تعقیب شدیدترین جنایات بین‌المللی است. این هدف محقق نخواهد شد مگر آنکه ساختار دیوان و فرایند رسیدگی در آن بر پایه مفاهیم صریح و بدون اجمال بنیان نهاده شود تا مفاهیم مبهم و تفاسیر چندگانه، منجر به صدور آرای متفاوت و متناقض نشود. ساختاری که دیوان بر اساس آن استوار شده است، از یک سو منحصر به فرد بوده و از سوی دیگر باید قادر باشد تا با چالش‌های فراوانی که پیش روی آن است مواجهه کند. شرط احراز مبنای معقول برای شروع به تحقیق توسط دادستان و منوط کردن آن به نظارت قضایی شعب مقدماتی و لزوم تأیید مبنای معقول از سوی شعب مذکور، با هدف تأسیس دیوان مرتبط است. شرط وجود قرائن معقول برای صدور دستور جلب و احضار شخص مظنون و همچنین، ضرورت وجود قرائن اساسی برای تأیید اتهام یا اتهامات، که همگی با لزوم معقول بودن اقدام در هر مرحله از رسیدگی، پیوند تفکیک‌ناپذیر دارد، برای این است که آرمان اصلی دیوان، مبنی بر تحقق عدالت و رسیدگی انحصاری به شدیدترین جنایات بین‌المللی محقق شود. این معیارها، چه در اساسنامه و چه در سایر اسناد مرتبط، به روشنی تبیین نشده است. این در حالی است که ضرورت معقول بودن اقدام کیفری، چه در دادرسی‌های داخلی و چه بین‌المللی بر کسی پوشیده نیست. در غیر این صورت، فرض بی‌گناهی مخدوش می‌شود. گرچه معیارهای مبنای معقول، قرائن معقول و قرائن اساسی برای اولین بار در اساسنامه دیوان بیان شده است، معادل آن در حقوق داخلی و سایر اسناد بین‌المللی در قالب واژگان متفاوت مشاهده می‌شود. برای مثال، معیار مبنای معقول برای اقدام به تحقیق در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، معادل معیار مقتضی بودن تحقیق و تعقیب^۱ در حقوق داخلی است؛ بدین معنا که اقدام به تحقیق در خصوص یک وضعیت باید مفید، معقول و مقتضی باشد. در سایر اسناد بین‌المللی مانند اساسنامه دیوان‌های رواندا و یوگسلاوی، معیار مبنای معقول برای اقدام به تحقیق، معادل معیار *prima facie* است؛ بدین معنا که دادستان باید شکوائیه را به صورتی تنظیم کند که چنانچه متهم نتواند یا نخواهد از خود دفاع کند، پرونده احتمالاً منجر به صدور حکم محکومیت علیه وی شود. معیار قرائن معقول مندرج در اساسنامه دیوان نیز در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در قالب عبارت ظن معقول قابل مشاهده است و برخی شعب دیوان در تفسیر قرائن معقول، به معیار ظن معقول توسل جستند.

به دلیل عدم تعریف این معیارها در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، برای درک این معیارها در هر مرحله از دادرسی در دیوان، باید تصمیمات شعب مقدماتی یا آرای شعب تجدیدنظر دیوان کیفری بین‌المللی در خصوص وضعیت‌ها را ملاحظه کرد. تفسیر شعب از معقول بودن در هر مرحله از دادرسی، متکی به مقتضیات خاص آن مرحله است. قدر متیقن اینکه هرچه فرایند دادرسی پیش

1. Opportunity principle

می‌رود، معيار معقول بودن، قالب جامع‌تر و دقيق‌ترى به خود می‌گيرد و وضوح و كفايت بيشتري ادله را می‌طلبد. «قابليت پيش‌بینی وقوع جرم در صلاحيت ديوان»، «ممکن بودن وقوع جرم در صلاحيت ديوان از نگاه ناظر عینی»، «وجود نتیجه معقول در میان سایر نتایج معقول» و «وجود صرفاً نتیجه معقول»، تفاسیری است که شعب از معقول بودن در مراحل مختلف ارائه داده‌اند.

موضوع پژوهش حاضر این است که مفهوم، قلمرو و اهداف معيارهایی را روشن کند که تحقق آن‌ها در هر مرحله از دادرسی ديوان كيفرى بين المللى ضرورت دارد؛ نگرش شعب مقدماتی ديوان در تبين آن معيارها را مشخص کند و آشکار سازد که تفسیر هر شعبه از معيارها بر چه مبنایی استوار است. برای پاسخ به سؤالات فوق، در سه مبحث به این مفاهيم پرداخته می‌شود: مبحث نخست، بررسی معيار مبنای معقول برای اقدام به بررسی مقدماتی ديوان، موضوع مواد ۱۵ و ۵۳ اساسنامه است. مبحث دوم، به بررسی مفهوم معيار قرائن معقول برای صدور دستور جلب و احضار، موضوع ماده ۵۸ اساسنامه ديوان اختصاص دارد. در سومین مبحث، مفهوم قرائن اساسی، موضوع ماده ۶۱ اساسنامه به تفصیل بیان می‌شود.

۱. معيار مبنای معقول برای اقدام به بررسی مقدماتی

باید سابقه درج معيار مبنای معقول برای اقدام به تحقیق را در ماده ۳۰ گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل در چهل و پنجمین جلسه در ۱۹۹۳ و نیز در بند چهارم ماده ۲۶ از پيش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در چهل و ششمین جلسه در سال ۱۹۹۴ جستجو کرد که بر اساس آن، احراز مبنای کافی،^۲ برای شروع به تحقیق دادستان لازم دانسته شده است و در صورت عدم احراز چنین مبنایی، دادستان، حقی برای شروع به تحقیق پیدا نمی‌کرد. در تفسیر عدم احراز مبنای کافی، در پيش‌نویس کمیسیون بین‌الملل ۱۱۹۴ آمده است که مقصود این عبارت، پوشش مجموعه‌ای از وضعیت‌های مختلف است که اقدام بعدی به‌موجب اساسنامه در آن خصوص مجاز نباشد: اول، آنجا که نشانه‌ای از وقوع جرم در صلاحیت ديوان مشاهده نشود. دوم، برخی نشانه‌ها از وقوع چنین جرایمی وجود داشته باشد اما دادستان به این نتیجه برسد که ادله به قدر کافی قوی نیست که به صدور حکم محکومیت منجر شود. سوم، جایی که ادله به‌گونه‌ای وجود دارد که احتمالاً به حکم محکومیت منجر شود اما دادستان متقاعد شده است که احتمالاً قضیه قابل پذیرش نیست.^۳ چند سال بعد در پيش‌نویس کمیته مقدماتی در خصوص تأسیس ديوان در سال ۱۹۹۸، در ماده ۱۲، عبارت مبنای

2. Sufficient basis

3. Draft statute for an international criminal court with commentarie report of international law commission on the work of its forty- sixth session' article 26, 1994.

کافی و در ماده ۱۳، عبارت مبنای معقول برای اقدام به تحقیق ذکر شد.^۴ ماده ۵۴ آن نیز به لزوم احراز مبنای معقول - حقوقی یا بر اساس وقایع - برای اقدام به تحقیق اشاره کرد.^۵ در ذیل ماده ۱۲ پیش‌نویس آمده بود که مبنای کافی مندرج در ماده ۱۲ و مبنای معقول مندرج در ماده ۱۳ و ۵۴ مفاهیم واحدی هستند. در نهایت، ماده ۲۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل و مواد ۱۲ و ۱۳ پیش‌نویس کمیته مقدماتی، در اساسنامه نهایی در قالب ماده ۱۵ گنجانده شد.

ماده ۱۵ اساسنامه مقرر داشته است که دادستان می‌تواند بر اساس اطلاعات در دسترس، در خصوص جرایم در صلاحیت دیوان، به تشخیص خود، شروع به تحقیق کند. چنانچه دادستان نتیجه بگیرد که مبنای معقولی برای اقدام به تحقیق وجود دارد، باید درخواستی به شعبه مقدماتی مبنی بر تجویز تحقیق ارائه کند. اگر شعبه مقدماتی پس از بررسی درخواست دادستان، همانند دادستان به این نتیجه برسد که مبنای معقولی برای اقدام به تحقیق وجود دارد، مجوز تحقیق صادر خواهد کرد. اما این ماده ابهاماتی دارد. برای مثال، واضح نیست که مبنای معقول به چه معناست و چه قلمروی دارد؛ آیا با توجه به اینکه بررسی مقدماتی ابتدایی‌ترین مرحله رسیدگی به یک وضعیت است، مبنای معقول مدنظر، معیاری حداقلی است؟ در این صورت، ادله ایجادکننده مبنای معقول چه خصوصیتی باید داشته باشد؟ هدف از درج مبنای معقول و لزوم احراز آن توسط دو نهاد - دفتر دادستانی و شعب مقدماتی - چیست و نقش نظارتی شعبه مقدماتی در خصوص احراز آن چه هدفی دارد؟ پاسخ به سؤالات فوق، موضوع مبحث اول این پژوهش است.

در اساسنامه، قواعد دادرسی و ادله، و نیز مقررات دادگاه، مشخص نشده است که مبنای معقول برای اقدام به چه معناست و چه قلمروی دارد. به‌ناچار، مفهوم این معیار را باید در تصمیمات شعب مقدماتی و درک قضات آن شعب از این مفهوم جستجو کرد. به‌علاوه، شعبه مقدماتی در تفسیر مفاهیم مندرج در اساسنامه، بر اساس ماده ۳۱ و ۳۲ کنوانسیون ژنو در مورد حقوق تعهدات، می‌بایست به معنای عرفی مفاهیم و نیز هدف و مفاد اساسنامه توجه کند.^۶ نیز بر اساس ماده ۲۱(۳) اساسنامه دیوان، تفسیر مواد این اساسنامه باید هم‌سو و هماهنگ با حقوق بشر شناخته‌شده بین‌المللی باشد.

اولین وضعیتی که دادستان به تشخیص خود، درخواست شروع به تحقیق را تقدیم شعبه مقدماتی کرد، خشونت‌های پس از انتخابات ریاست جمهوری در کنیا در سال ۲۰۰۷ و سپس خشونت‌ها در ساحل عاج بود. به‌زعم دفتر دادستانی، مبنای معقول برای اقدام به تحقیق وجود

4. Report of the Preparatory Committee on the Establishment of an International Criminal Court, A/CONF.183/2, 15 June - 17 July 1998, art 12

5. *Ibid.*

6. ماده ۳۱ کنوانسیون ژنو بیان می‌کند که تفسیر هر معاهده باید از روی حسن‌نیت و در تطابق با معنای عرفی که به اصطلاحات معاهده در مفاد آن - متن معاهده، مقدمه و ضmann آن - و در پرتو اهداف و مفهوم آن داده می‌شود، صورت گیرد. Vienna Convention on the Law of Treaties. Concluded at Vienna on 23 May 1969, Art. 31-32.

دارد. اما توضیحی ارائه نکرد که مبنای معقول به چه معناست. به همین جهت، شعبه مقدماتی بر اساس بند چهارم ماده ۱۵، که صدور مجوز تحقیق، منوط به احراز مبنای معقول توسط آن شعبه است، در صدد تعریف معقولیت برآمد. به زعم این شعبه، واژه معقول^۷ از نظر لغوی به معنی «بی طرفانه^۸ و قابل پیش‌بینی^۹» یا «در محدوده دلایل^{۱۰}» است. در حقیقت، در این مرحله از دادرسی، احراز مبنای معقول از دید شعبه به این معناست که بتوان بر اساس اطلاعات در دسترس، وقوع جرم را قابل پیش‌بینی دانست. بنابراین، معقول به معنای قابلیت پیش‌بینی و ممکن بودن وقوع جرم است؛ به این معنا که در ارزیابی ادله و اطلاعات ارائه شده توسط دادستان، شعبه تنها باید متقاعد شود که توجیه معقول، قابل پیش‌بینی و محسوس برای باور به اینکه جرم در صلاحیت دیوان اتفاق افتاده یا در حال ارتکاب است، وجود دارد. پی بردن به اینکه آیا چنین توجیه محسوس و قابل پیش‌بینی وجود دارد یا خیر، هدف مهم این مرحله از دادرسی است. همچنین لازم نیست اطلاعات در دسترس دادستان نسبت به مراحل بعدی دادرسی، جامع یا نتیجه‌بخش باشد، چرا که در خلال این مرحله مقدماتی، اختیارات دادستان محدود است^{۱۱} و هدف این مرحله، صرفاً گردآوری اطلاعات و ادله، و نه کشف حقیقت است. در قضیه ساحل عاج نیز همین عبارات در توضیح مبنای معقول به کار برده شد.^{۱۲} در گزارش دفتر دادستانی نیز آمده است که معیار مبنای معقول توسط شعب دیوان به «ضرورت وجود توجیه معقول و محسوس برای این باور که جرم در صلاحیت دیوان ارتکاب یافته است» تفسیر شده است.^{۱۳}

مشاهده می‌شود که شعبه مقدماتی در تفسیر مبنای معقول برای اقدام به تحقیق، به مواد ۳۱ و ۳۲ کنوانسیون وین نظر داشته است که بر اساس آن، معنای عرفی مفاهیم و هدف و مفاد اساسنامه ملاک است و به سایر تفاسیر، از جمله تفسیر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، که در برخی شعب در توضیح معقولیت برخی پرونده‌ها به آن استناد می‌شود، توجهی نشان نداده است. بنابراین، معیار مبنای معقول از نظر این شعبه، معیار مستقل و البته حداقلی است که دغدغه آن، صرفاً پی بردن به وقوع جرم در صلاحیت دیوان است و در این مرحله، سایر اطلاعات مانند شناسایی شخص مظنون، فاقد اهمیت است. به همین دلیل، شعبه مقدماتی اظهار نظر کرد که تفسیر دادگاه اروپایی حقوق بشر از معیار مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر - معیار ظن معقول - هیچ ارتباط و سنخیتی با

7. Reasonable

8. Fair

9. Sensible

10. Within the limits of reasons

11. Decision Pursuant to Article 15 of the Rome Statute on the Authorization of an Investigation into the Situation in the Republic of Kenya, ICC-01/09, 31 March 2010, paras. 30 and 35.

12. Decision Pursuant to Article 15 of the Rome Statute on the Authorization of an Investigation into the Situation in the Republic of Côte d'Ivoire No. -02/11, 3 October 2011, para. 24.

13. Policy Paper on Preliminary Examinations, the office of the prosecutor, November 2013, pp. 2-8.

مبنای معقول برای اقدام به تحقیق، موضوع ماده ۱۵ اساسنامه ندارد. به‌زعم شعبه، معیار ظن معقول به جهت بازداشت و توقیف اشخاص، قبل از صدور حکم است، و اساساً با مرحله بررسی مقدماتی که صرفاً در پی جمع‌آوری اطلاعات و ادله برای پیشبرد تحقیقات مقدماتی است، هیچ تناسبی ندارد. برخی بر این عقیده‌اند که صرف‌نظر از چارچوب متفاوت این دو معیار، به‌طور کلی ماهیت این دو مفهوم با یکدیگر تفاوت دارد: معقولیت مدنظر دادگاه اروپایی، مفهومی کلی است که با ملاحظه تمامی شرایط پرونده معین می‌شود، درحالی‌که معقولیت مدنظر ماده ۱۵ اساسنامه، تنها توسط فاکتورهای مندرج در ماده (۱) ۵۳ (c)-(a) مشخص می‌شود.^{۱۴}

هدف از استقرار مبنای معقول برای اقدام به تحقیق برای دادستان و شعبه مقدماتی این است که دیوان از اقدام به تحقیقات با انگیزه سیاسی، بیهوده و ناموجه منع شود.^{۱۵} در گزارش دفتر دادستانی در خصوص این مرحله از رسیدگی نیز آمده است که هدف این مرحله، جمع‌آوری اطلاعات مربوطه و ضروری برای رسیدن به این نتیجه است که مبنای معقول برای اقدام به تحقیق وجود دارد و دفتر دادستانی در این مرحله از دادرسی، فاقد قدرت تحقیقی کامل است. به عبارت دیگر، این مرحله، متکی بر وقایع و اطلاعات در دسترس است و جامعیت و نتیجه‌بخش بودن این اطلاعات ضرورت ندارد.^{۱۶} در نهایت، مبنای معقول موردنظر دادستان و شعبه مقدماتی، یک مفهوم واحد است. قواعد ۴۸ و ۱۰۹ از قواعد دادرسی و ادله دیوان در این خصوص مورد توجه است: بر اساس قاعده ۴۸، دادستان باید به فاکتورهایی که در ماده ۵۳ بندهای ۱ (a) تا (c) آمده است توجه کند. نیز قاعده ۱۰۹ اعلام می‌کند که بازنگری شعبه مقدماتی در خصوص تصمیم دادستان باید با ملاحظه ماده ۵۳ (بندهای a تا c) انجام پذیرد.

۲. معیار قرائن معقول برای صدور دستور جلب و احضار

حق آزادی در شعاع ملی و بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. در سطح بین‌المللی، ماده ۵۸ اساسنامه دیوان، شرایط سلب آزادی اشخاص مظنون را بدین شیوه بیان کرده است: در هر زمان پس از شروع به تحقیق، چنانچه شعبه مقدماتی با بررسی تقاضای دادستان و ادله یا سایر اطلاعاتی

14. Ventura, Manuel J., "The 'Reasonable Basis to Proceed' Threshold in the Kenya and Côte d'Ivoire Proprio Motu Investigation Decisions: The International Criminal Court's Lowest Evidentiary Standard?", (October 1, 2012). (2013) 12(1) *The Law and Practice of International Courts and Tribunals* 49-80. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2206680>, p. 18.

فاکتورهای مندرج در ماده ۵۳ اساسنامه عبارت‌اند از: وجود مبنای معقول برای باور به اینکه جرم در صلاحیت دیوان واقع شده یا در حال ارتکاب است؛ قضیه قابل پذیرش بر اساس ماده ۱۷ اساسنامه باشد (مسئله صلاحیت تکمیلی دیوان و وجود شدت کافی برای اقدام به تحقیق)؛ و، با درنظرگرفتن شدت جرم و منافع قربانی، دلایل اساسی برای باور به اینکه تحقیق در راستای منافع عدالت است وجود داشته باشد.

15. Situation in the Republic of Kenya, *Ibid.*

16. Policy Paper on Preliminary Examinations, *Ibid.*, pp. 2-8.

که او ارائه کرده، متقاعد شود که مبنای معقول برای باور به اینکه شخص مظنون مرتکب جرم در صلاحیت دیوان شده است، وجود دارد و نیز بازداشت وی به نظر، ضروری می‌رسد، باید دستور بازداشت شخص را صادر کند. ریشه این ماده، در ماده ۲۷ تا ۳۲ گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل در چهل و پنجمین جلسه، در سال ۱۹۹۳ است. همچنین ماده (۱) ۲۸ (a) از پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل ۱۹۹۴ مقرر داشته بود که اگر دلیل محتمل برای این باور^{۱۷} وجود داشته باشد که شخص مظنون ممکن است جرم در صلاحیت دیوان مرتکب شده باشد و این احتمال نیز وجود داشته باشد که در صورت عدم بازداشت، شخص مظنون نزد دادگاه برای رسیدگی حاضر نشود، رئیس دیوان بتواند بر اساس تقاضای دادستان، دستور بازداشت متهم را صادر کند،^{۱۸} تا اینکه در گزارش پیش‌نویس کمیته مقدماتی ۱۹۹۸ دیوان در ماده ۵۹ عبارت «قرائن معقول» ظاهر شد. بر اساس این ماده، هر زمانی که تحقیق شروع شود، اگر قرائن معقول^{۱۹} برای باور به اینکه شخص مظنون، جرم واقع در صلاحیت دیوان مرتکب شده است، وجود داشته باشد،^{۲۰} شعبه مقدماتی می‌تواند بر اساس تقاضای دادستان، دستور بازداشت شخص مظنون را صادر کند. باین‌حال، در پاورقی ماده ۵۹ پیش‌نویس کمیته مقدماتی ۱۹۹۸ آمده است که برخی ترجیح می‌دادند به‌جای قرائن معقول، از اصطلاح دیگری مانند «دلایل جدی»^{۲۱} استفاده شود. در خلال پیش‌نویس نهایی کمیته مقدماتی که در کنفرانس رم تا حد زیادی بدون تغییر ماند، معیار صدور دستور جلب و احضار، «قرائن معقول برای باور»، موضوع ماده ۵۸ اساسنامه حاضر شد.

در مرحله صدور دستور جلب و احضار، دادستان ادله‌ای در اختیار دارد که بر اساس آن، می‌تواند هویت شخص مظنون را آشکار کند. بدین ترتیب، با تقاضای صدور دستور جلب و احضار، قصد دادستان بر این است که جرم واقع شده در صلاحیت دیوان را به شخص مظنون منتسب و مسئولیت کیفری وی را تعیین کند. اما برای صدور چنین دستوری می‌بایست ادله و اطلاعاتی که دادستان ارائه کرده، برای باور به اینکه شخص احضار شده یا جلب شده، و نه شخص دیگری، مرتکب جرم مورد نظر شده است، قرائن معقولی ایجاد کند. استقرار چنین شرط و ضابطه‌ای به این دلیل است که بدون دلیل موجه و مدارک معتبر نتوان آزادی شخصی افراد را محدود کرد. اما مفهوم قرائن معقول، مفهوم کلی و قابل تفسیر است که در اساسنامه و سایر اسناد مرتبط، مفهوم و قلمرو آن معین نشده است.

17. Probable cause to believe

18. Report of the International Law Commission on the work of its forty-sixth session, UN Doc A/49/10, 2 May–22 July 1994, Art 28(1)(a).

19. Reasonable grounds

20. Report of the Preparatory Committee on the Establishment of an International Criminal Court, UN Doc A/CONF.183/2, 14 April 1998, art. 59.

21. Serious reasons, *Ibid.*, art. 59.

علی‌رغم عدم تعریف و تحدید این معیار در اساسنامه، شعب مقدماتی بنا به تجویز ماده (۳) ۲۱، در برخی تصمیمات خود به مفهوم مندرج در ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و تفسیر دادگاه اروپایی حقوق بشر توسل جسته‌اند. در این ماده آمده است که هدف از بازداشت و توقیف قانونی شخص این است که حضور وی نزد مقام قانونی صالح بر اساس ظن معقول^{۲۲} به اینکه چنین شخصی مرتکب جرم شده، تضمین شود؛ یا زمانی که به‌طور معقول ملاحظه شود که بازداشت وی به جهت منع وی از ارتکاب جرم یا جلوگیری از فرار وی بعد از ارتکاب جرم، ضروری است.^{۲۳}

اما با توجه به عدم تعریف ظن معقول در کنوانسیون اروپایی می‌توان در تصمیمات دادگاه اروپایی حقوق بشر، تفسیر این واژه را مشاهده کرد. در پرونده فوکس، کامپل و هارتلی علیه حکومت بریتانیا، دادگاه اروپایی به‌روشنی این مفهوم را توضیح داد. در این پرونده، افراد فوق بر اساس ظن به تروریست‌بودنشان بازداشت شدند. اعتراض آن‌ها نسبت به بازداشت به جهت نقض ماده (۱) ۵ (c) بود. دادگاه اروپایی حقوق بشر در این پرونده، ضمن پذیرش ادعای این افراد، در بیان مفهوم ظن معقول، اظهارنظر کرد که پیش‌فرض ظن معقول، «وجود ادله و اطلاعاتی است که هر مشاهده‌گر عینی^{۲۴} را متقاعد کند که شخص موردنظر ممکن است مرتکب جرم شده باشد و آنچه معقول تلقی می‌شود، متکی به همه شرایط پرونده است».

در بیان چگونگی ادله و اطلاعات، دادگاه اروپایی در پرونده مورای علیه بریتانیا اظهار داشت که به‌منظور توجیه بازداشت بر اساس ماده (۱) ۵ (c) لازم نیست که مقامات تحقیق‌کننده، ادله کافی که برای تنظیم شکوائیه^{۲۵} یا برای توجیه محکومیت لازم است تحصیل کنند. اگر ادله کافی، مبنای عینی و قابل قبول برای ظن ایجاد کند، معقول تلقی می‌شود.^{۲۶}

بدین ترتیب، برخی شعب مقدماتی دیوان در تصمیمات برای تعیین معیار قرائن معقول برای باور، به مفهوم ظن معقول استناد جسته‌اند. برای نمونه، در قضایای *تاگاندا*،^{۲۷} *باگبو* و *بمبا*^{۲۸} و همچنین *لوبانگا*، شعب مقدماتی بر این عقیده‌اند که معیار ظن معقول، ملاک صدور دستور جلب و احضار است.

اما برخی از حقوق‌دانان و نیز برخی قضات شعب دیوان، برای بیان معیار قرائن معقول، به

22. Reasonable suspicion

23. European Convention on Human Rights, art. 5(1)(c).

24. Objective observer

25. Bringing a charge

26. *Murray v. United Kingdom*, ECtHR (1994) Series A, No. 300, 63.

27. Situation in the Democratic Republic of the Congo in the Case of the Prosecutor v. Bosco Ntaganda, Decision on the Prosecutor's Application under Article 58, ICC-01/04-02/06, 13 July 2012, para. 16.

28. Decision on the Prosecutor's Application for a Warrant of Arrest against Jean-Pierre Bemba Gombo, Jean-Pierre Bemba Gombo (ICC-01/05-01/08), Pre-Trial Chamber III, 10 June 2008, § 24.

مفهوم دیگری تحت عنوان نتیجه معقول^{۲۹} استناد جسته‌اند. برخی معتقدند که معیار قرائن معقول، دربرداشته معیار عینی است و اساساً قرائن معقول به معنی این است که بتوان نتیجه معقول را مبنی بر اینکه شخص مورد ظن، مرتکب جرم در صلاحیت دیوان شده است استنتاج کرد، اما نه به این معنی که این استنتاج، تنها نتیجه معقولی باشد که از ادله استنباط می‌شود.^{۳۰} همین تفسیر در بیان قضات شعبه مقدماتی در پرونده *مودا/کومورا* مشاهده می‌شود. در این پرونده، شعبه مقدماتی لازم دانست که قرائن معقول برای باور به اینکه شخص حاضر، جرم در صلاحیت دیوان مرتکب شده است، وجود داشته باشد. اما گفته شد، ضرورت دارد ادله و مدارکی که قرائن معقول ایجاد می‌کند، نتیجه معقول ایجاد کند و لازم نیست که این نتیجه، تنها نتیجه‌ای باشد که از ادله استنباط می‌شود.^{۳۱}

در خصوص اتهامات وارده علیه عمر البشیر مبنی بر ارتکاب جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی و تقاضای دادستان مبنی بر صدور دستور جلب برای وی، با توجه به احراز عناصر زمینه‌ای و خاص این دسته جرایم و وجود مدارک و ادله مستقیم، قضات شعبه متفقاً پذیرفتند که قرائن معقول برای باور به اینکه عمر البشیر، جرایم جنگی و علیه بشریت در منطقه دارفور مرتکب شده است، وجود دارد. اما در خصوص اتهام نسل‌کشی، آن را وارد ندانستند: دادستان برای اثبات وجود قصد خاص نسل‌کشی، به اعمال ارتكابی دولت سودان و شبه‌نظامیان از قبیل تجاوزات گسترده و نظام‌مند به قصد درهم‌شکستن روحیه شورشیان و قصد تغییر در نسل گروه‌های موردنظر از طریق حاملگی اجباری، تصاحب زمین‌های آن گروه‌ها و اخراج بدون امکان بازگشت آن‌ها به قصد پراکنده کردن قوم‌های ساکن و حمله به دهکده‌های غیرنظامی بدون تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان به صورت عمدی و با هدف از بین بردن اقوام ساکن در آن دهکده اشاره کرده بود.^{۳۲} اما اکثریت قضات شعبه مقدماتی، ادعای دادستان در خصوص نسل‌کشی را مردود اعلام کردند. استدلال آن‌ها این بود که معیار قرائن معقول به معنی وجود ادله و مدارکی است که بتوان از آن مدارک و ادله، صرفاً نتیجه معقول مبنی بر وجود قصد خاص نابودی گروه‌های موردنظر، که

29. Reasonable conclusion

30. Triffterer O., Ambos K., *The Rome Statute of the International Criminal Law: A Commentary*, Hart Publishing, 2015, p. 1445.

31. Situation in the Democratic Republic of the Congo in the Case of the *Prosecutor v. Sylvestre Mudacumura*, Decision on the Prosecutor's Application under Article 58, ICC-01/04-01/12: 13 July 2012, para. 19.

۳۲. معاونت حقوقی و بررسی‌های فقهی، «آزمونی دشوار برای دیوان کیفری بین‌المللی: بررسی حقوقی درخواست دادستان دیوان کیفری بین‌المللی برای صدور حکم جلب رئیس‌جمهور سودان»، *مجله حقوقی قضاوت*، شماره ۵۷، خرداد و تیر ۱۳۸۸، ص ۴۲.

عنصر لازم برای احراز جرم نسل‌کشی است، استنباط کرد.^{۳۳} بنابراین، ادله و مدارکی که مبین ممکن بودن وقوع جرم نسل‌کشی توسط عمر البشیر باشد یا ادله و مدارکی که بر اساس آن، نتیجه معقول مبنی بر وجود قصد خاص نابودسازی گروه‌های مورد نظر استنباط شود درحالی که نتایج معقول دیگری - مانند نبود قصد خاص نابودسازی گروه‌های مورد هدف - نیز قابل استنباط باشد، برای احراز قصد خاص نسل‌کشی کافی نیست. بنابراین، اکثریت قضات معتقد بودند که احراز قصد خاص نابودی کلی یا جزئی توسط نیروهای تحت فرمان عمر البشیر، از مدارک غیرمستقیم استنتاج شده است. ضمناً احراز چنین قصدی، تنها نتیجه معقول استنباط شده^{۳۴} از آن مدارک نیست.^{۳۵} در نتیجه، شعبه مقدماتی بیان داشت که قصد عمر البشیر در سرکوبی و قتل شورشیان، به منظور دیگری غیر از قصد خاص انهدام و نابودی کل یا بخشی از گروه‌های مورد حمایت بوده است.^{۳۶} اعلام نظر کمیسیون تحقیق در منطقه دارفور نیز بر همین منوال بوده و بیان داشت که نیروهای دولتی صرفاً قصد آزار و اذیت مردان شورشی^{۳۷} را داشتند و نه قصد خاص نابودی یک گروه قومی مذهبی.^{۳۸} تصمیم شعبه مقدماتی در شعبه تجدیدنظرخواهی با این استدلال نقض شد که معیار قرائن معقول نمی‌تواند به معنی تنها نتیجه معقول برآمده از ادله و مدارک باشد و نتیجه معقول مبنی بر وجود قصد خاص نسل‌کشی کفایت می‌کند و نیازی نیست این نتیجه، تنها نتیجه معقول برآمده از ادله و مدارک باشد. در غیر این صورت، بر دادستان تکلیف شده است که ورای هر شک معقول، قصد خاص نسل‌کشی را اثبات کند. این امر شایسته

33. Decision on the Prosecution's Application for a Warrant of Arrest against Omar Hassan Ahmad Al Bashir, *The Prosecutor v. Al Bashir* (ICC-02/05-01/09), Pre-Trial Chamber I, 4 March 2009

34. Only reasonable conclusion

35. Ramsden, Michael and Chung, Cecilia, "Reasonable Grounds to Believe: An Unreasonably Unclear Evidentiary Threshold in the ICC Statute", (June 16, 2015). *Journal of International Criminal Justice* (2015); The Chinese University of Hong Kong Faculty of Law Research Paper No. 2015-07. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2646729>.

۳۶. صالحی، محمدخلیل و مجید صادقی؛ «بررسی پرونده دوم سودان در دیوان کیفری بین‌المللی (ارجاع تا دستور جلب)، فصلنامه پژوهش حقوقی دانشگاه قم، سال سوم، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۰، ص ۱۰۸.

۳۷. آزار و اذیت، عنصر مادی دو جرم نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت است. در بیان تفاوت جرم نسل‌کشی و جرم علیه بشریت از طریق اذیت و آزار، برخی به ماده ۲ کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرم نسل‌کشی، مصوب ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد استناد می‌جویند؛ بدین صورت که نسل‌کشی جرمی است که تحقق عنصر روانی آن منوط به قصد مرتکب در نابودکردن یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی است. جرم اذیت و آزار به‌عنوان یکی از جرایم علیه بشریت نیز منوط به آن است که اذیت و آزار قربانی توسط مرتکب به دلایل مذهبی، نژادی یا سیاسی صورت گیرد. اما تفاوت آن‌ها در این است که گرچه مرتکب جرم آزار و اذیت به‌عنوان جرم علیه بشریت، رفتارهای خود را به دلایل سیاسی، نژادی یا مذهبی انجام می‌دهد (بند h ماده ۷ اساسنامه) برخلاف نسل‌کشی، ضرورتاً در پی نابودی یکی از گروه‌های مورد حمایت نیست. عباس محمدخانی، «جرایم علیه بشریت در روبه‌قضایی محاکم کیفری بین‌المللی سازمان ملل متحد»، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس، شماره ۱۱، دوره سوم، پاییز ۱۳۹۱، ص ۱۴.

38. Report of the International Commission of Inquiry on Darfur to the United Nations Secretary- 25 January 2005- Pursuant to Security Council Resolution 1564 of 18 September 2004.

مرحله نهايى يعنى رسيدگى به اتهام در شعبه دادرسى اصلى است و نه مرحله مقدماتى صدور دستور جلب و احضار. تفاوت دو مفهوم ظن معقول و قرائن معقول چيست كه برخى از استناد به آن امتناع کرده‌اند؟ ادله‌اى كه به استناد آن، قرائن معقول براى باور به وقوع جرم توسط شخص مورد نظر ايجاد مى‌شود، چه خصوصيتى بايد داشته باشد؟ براى پاسخ به اين سؤالات، ابتدا خصوصيت ادله ايجادكننده قرائن معقول بيان مى‌شود؛ آن‌گاه معيارهاى قرائن معقول و ظن معقول مقايسه خواهد شد.

۲-۱. ادله ايجادكننده ظن و قرائن معقول

نوع و كيفيت ادله ايجادكننده قرائن معقول در اساسنامه و اسناد مرتبط تعريف نشده است. در كنوانسيون اروپايى حقوق بشر نيز مفهوم ظن معقول و مفهوم عينيت ادله و نيز ناظر عيني تعريف نشده است. به همين دليل، بايد در تفاسير ديوان اروپايى حقوق بشر در پرونده‌هاى مورد بررسى و شعب مقدماتى ديوان، اين مفهوم را جستجو كرد.

ديوان اروپايى در پرونده *وهار/ا* عليه دولت بریتانیا، عيني بودن ادله و اطلاعات را مبتنى بر سه فاکتور قابليت اتکا،^{۳۹} ارزش اثبات‌كننده،^{۴۰} انسجام و عدم تعارض ادله^{۴۱} ارائه شده دانسته است. در اين پرونده، ديوان اروپايى در تعريف معقول بودن ظن اعلام كرد كه وقايع و اطلاعاتى كه ناظر عيني را متقاعد مى‌كند كه شخص مظنون ممكن است مرتكب جرم شده باشد، بايد قابل اتکا^{۴۲} باشد و نيز اطلاعات اشخاصى كه مدارك و ادله را در اختيار مقام دولتى بازداشت‌كننده قرار مى‌دهند، بايد با يكديگر همسان و بدون تعارض^{۴۳} باشد. سپس بيان كرد كه افسر بازداشت‌كننده در زمان اقدام به بازداشت *وهارو* فاقد هرگونه سوءنيت بوده و قصد سوءاستفاده از قدرت نداشته، بلكه بر اساس اطلاعاتى كه مقام مافوق در خصوص مداخله *وهارو* در قتل فردى به نام كورت كونيگ به وى داده، *وهارو* را بازداشت کرده است. بنا بر اين اطلاعات استنادى افسر بازداشت‌كننده، قابليت اتكا داشته و مى‌توانسته ظن معقول به ارتكاب جرم *وهارو* را ايجاد كند.^{۴۴} به اين ترتيب، به اعتراض *وهارو* ترتيب اثر داده نشد.

در اساسنامه ديوان نيز اشاره‌اى به مفهوم عيني بودن نشده است. تنها در پيش‌نويس كميته مقدماتى ۱۹۹۸ در زيرنويس ماده ۵۹ در خصوص دستور جلب و بازداشت، به ذكر اين نکته اکتفا شده

39. Reliability

40. Probative value

41. Consistency of evidence

42. Reliable

43. Consistent

44. *O'Hara v. The United Kingdom*, European Court of Human Rights, No. 37555/97, 2001, para. 35.

است که فرائن معقول به‌گونه‌ای فهم می‌شود که مشتمل بر معیار عینی^{۴۵} است. بنابراین، برای فهم مفهوم عینی بودن باید به تصمیمات شعب مقدماتی و نیز سایر اسناد مرتبط با اساسنامه توسل جست. برای مثال، شعبه مقدماتی در قضایای *کاتانگا* و *گودجولو*، پیرامون فاکتورهای مفهوم عینیت، توضیحاتی داده است که این معیارها برگرفته از تصمیم دادگاه یوگسلاوی در خصوص پرونده دادستان علیه فردی به نام *رادوان کارادیچ* است. در این پرونده، دادگاه مقرر داشت که اگر ادله ارائه شده، ضوابط مقرر در قاعده (c) ۸۹ از قواعد دادرسی و ادله دیوان یوگسلاوی را دارا باشد، قابل پذیرش است. قاعده (c) ۸۹ بیان می‌دارد که به‌عنوان قاعده کلی، ادله ارائه شده برای پذیرش باید قابلیت اتکای کافی^{۴۶} و ارتباط^{۴۷} با موضوع پرونده را داشته باشد تا دارای ارزش اثباتی باشد. ارزش اثباتی نیز بر اساس دو فاکتور قابلیت اتکا و مهم بودن سنجیده می‌شود.^{۴۸}

در تصمیم شعبه مقدماتی مذکور آمده است که مقصود از ارتباط ادله این است که ادله ارائه شده، احتمال وجود واقعه را بیشتر یا کمتر کند. در خصوص مفهوم ارزش اثباتی نیز شعبه اظهار داشت که ادله ارائه شده برای اینکه ارزش اثباتی داشته باشد، باید به‌طور مهمی به شعبه در رسیدن به نتیجه در مورد وجود یا عدم موضوع یاری رساند.^{۴۹}

در قاعده (۱) ۶۳ از قواعد دادرسی و ادله دیوان نیز آمده است که قواعد ادله، و ماده ۶۹ اساسنامه در تمام مراحل رسیدگی در دیوان، از جمله نزد شعب مقدماتی قابل اعمال است. در قاعده (۲) ۶۳ به شعب دیوان، اختیار ارزیابی ادله به‌منظور تعیین ارتباط یا قابلیت پذیرش آن ادله در تطابق با ماده ۶۹ اعطا شده است. ماده ۶۹ نیز بیان داشته است که دادگاه هنگام ارزیابی قابلیت پذیرش و ارتباط ادله، باید ارزش اثباتی ادله را ملاحظه کند. بدین ترتیب، به‌موجب بند ۷ ماده ۶۹ اساسنامه، آنجا که نقض موارد فوق، قابلیت اتکای ادله را با تردید اساسی مواجه کرده یا پذیرش ادله با تمامیت فرایند رسیدگی در تضاد باشد، شعبه مقدماتی به ادله‌ای که از طریق نقض مقررات این اساسنامه یا نقض حقوق بشر شناخته شده بین‌المللی تحصیل شده‌اند، ترتیب اثر نخواهد داد.

باوجود اینکه قاعده (۱) ۶۳ از قواعد ادله و دادرسی و ماده ۶۹ به این مطلب اشاره کرده‌اند که در تمام مراحل دادرسی می‌توان ارزش اثباتی ادله را ارزیابی کرد، در عمل، این اتفاق برای صدور دستور جلب و احضار در مرحله شعبه مقدماتی، مشکلاتی با خود به همراه دارد چون در مرحله

45. Objective criteria

46. Reliability

47. Relevance

48. Situation in the democratic Republic of the Congo in the Case of the *Prosecutor v. the Case of the Prosecutor v. Germain Katanga and Mathieu Ngudjolo Chui*, -ICC-01/04-01/07, 21 October 2011, para. 15 and Decision on the prosecutions first bar table motion, IT-95-5/18-T, 13 April 2010.

49. *Ibid.*, paras. 19-20.

صدور دستور جلب، دادرسی یک‌طرفه بوده و شخص مظنون در جلسه دادرسی نزد شعبه مقدماتی حاضر نخواهد شد تا از خود در مقابل قابلیت پذیرش و ارتباط ادله با قضیه مورد بررسی یا ارزش اثباتی ادله دادستان دفاع کند. همین مسئله موجب ضعف معیار معقول بودن در این مرحله از دادرسی شده است. نیز شعبه مقدماتی هیچ ابزاری برای ارزیابی ادله دادستان در اختیار ندارد.^{۵۰} به همین دلیل ممکن است شعبه مقدماتی مجبور باشد ادله دادستان را بپذیرد، بدون اینکه فاکتورهای گفته شده برای مفهوم عینیت را ملاحظه کند.

۲-۲. قلمرو معیار ظن معقول در مقایسه با معیار قرائن معقول

علی‌رغم مشروعیت جهانی دادگاه اروپایی حقوق بشر که آن را منبع جذاب الهام برای دادگاه‌های کیفری بین‌المللی مانند دیوان کیفری بین‌المللی کرده است، و نیز تجربه این دادگاه، مدل مفید برای سایر نهادهای قضایی بین‌المللی است که به دنبال قضاوت در خصوص ادعاهای نقض حقوق بشر است، معیار ظن معقول مندرج در این دادگاه نمی‌تواند مفهومی مساوی با معیار قرائن معقول برای باور مندرج در اساسنامه دیوان باشد. در تفسیر دیوان اروپایی حقوق بشر آمده است که لازم نیست وقایعی که منجر به احراز ظن معقول می‌شود، در همان سطحی باشد که برای توجیه محکومیت یا تنظیم شکوائیه لازم است.^{۵۱} در حقیقت، بر اساس معیار ظن معقول، ادله باید به‌گونه‌ای باشد که این ظن را به وجود آورد که شخص مظنون، ممکن است مرتکب جرم شده باشد. اما در مرحله صدور دستور جلب، ادله باید باور به وقوع جرم توسط شخص مظنون را ایجاد کند. اما باور نه به معنی «اطمینان و یقین» که در دادرسی اصلی، شرط لازم برای صدور حکم است، بلکه متضمن نوعی احتمال است. به عبارت دیگر، باور،^{۵۲} از امکان^{۵۳} فراتر، و از یقین و اطمینان^{۵۴} پایین‌تر است.^{۵۵} ظن، مفهوم امکان را تداعی می‌کند یعنی باور ناقص، درحالی‌که قرائن معقول متضمن باور ثابت است.

در دعوای آر علیه کانگ براون در کانادا، معیار ظن معقول بدین صورت توصیف شد که ظن،

50. Ramsden, *op. cit.*, p. 20.

51. In the case of *Murray v. the United Kingdom*, *op. cit.*, para. 55.

52. Believe

53. Possibility

54. Certainty

55. در توضیح تفاوت این دو معیار، حقوق داخلی کانادا قابل توجه است. بر اساس حقوق این کشور، دو معیار ظن معقول و قرائن معقول برای باور، با تفاوت‌گذاردن بین دو مفهوم امکان (Possibility) و احتمال (Probability) توضیح داده می‌شود. امکان، بیان اموری است که ممکن است (Might) اتفاق بیفتد و معیار قانونی ظن معقول است، درحالی‌که احتمال، بیان اموری است که اتفاق خواهد افتاد (Will) که معیار قرائن معقول برای باور است.

Skolnik, Terry, "The Suspicious Distinction between Reasonable Suspicion and Reasonable Grounds to Believe", *Ottawa Law Review*, 47:1, 2015, p. 535.

پیش‌بینی است مبنی بر اینکه ممکن است اشخاص مظنون، درگیر فعالیت مجرمانه شده‌اند. ظن معقول به معنای چیزی بیش از ظن صرف است و چیزی کمتر از باور مبتنی بر قرائن معقول.^{۵۶} در حقیقت، اطلاعات با قابلیت اتکای کمتر، می‌تواند ظن معقول را توجیه کند ولی نمی‌تواند قرائن معقول برای باور را توجیه کند. بنابراین، وقایعی که منجر به احراز معیار ظن معقول می‌شود، ضرورتاً منجر به قرائن معقول برای باور نخواهد شد.

۳. مفهوم‌شناسی قرائن اساسی برای تأیید اتهام

فرایند تأیید اتهام که در ماده ۶۱ اساسنامه ذکر شده است، سازوکاری است که هدف آن، فقط ارسال پرونده‌هایی به شعب دادرسی است که دادستان، فرای ظن و فرض صرف اتهامات مستند به ادله کافی، به اشخاص نسبت داده باشد. این فرایند نه‌تنها موجب افزایش کنترل قضایی بر دادستان خواهد شد و از حقوق اشخاص در مقابل اتهامات بی‌اساس و غلط محافظت می‌کند، بلکه موجب می‌شود منابع محدود دیوان، صرف پرونده‌هایی شود که ارزش بررسی در مراحل بالاتر را دارند.

بر اساس بند ۷ ماده ۶۱ اساسنامه، شعبه مقدماتی باید تعیین کند که آیا ادله کافی برای ایجاد قرائن اساسی برای باور به اینکه شخص، جرم در صلاحیت دیوان مرتکب شده است یا خیر، وجود دارد یا خیر. اما چه ادله‌ای کافی است که چنین قرائنی ایجاد کند؟ این مسئله ذیلاً بیان می‌شود و سپس به مفهوم، قلمرو، هدف و نتیجه معیار قرائن اساسی پرداخته می‌شود.

ریشه این معیار را باید در ماده ۳۰ گزارش چهل‌وپنجمین کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۹۳ برای تأسیس دیوان، و در پیش‌نویس اساسنامه در ۱۹۹۴ مشاهده کرد که بر اساس آن، اگر رئیس دیوان، شکوائیه دادستان را تأیید می‌کرد، جلسه رسیدگی توسط شعبه محاکمه‌کننده برگزار می‌شد، که این تأیید صرفاً بر اساس شکوائیه دادستان صورت می‌پذیرفت و به‌هیچ‌وجه متضمن نوعی پیش‌داوری در خصوص تقصیر یا بی‌گناهی متهم نبود. در این فرایند، متهم حضور نداشت و تا زمانی که پرونده وارد مرحله رسیدگی اصلی نمی‌شد، فرصت به‌چالش کشیدن اتهامات را نداشت.^{۵۷} در جلسات کمیته مقدماتی که در ۱۹۹۸ برگزار شد، ماده ۶۱ تحت عنوان تأیید اتهامات نزد دادگاه نام گرفت که بخش‌های مهمی از مقررات این پیش‌نویس در کنفرانس رم پذیرفته، و تبدیل به ماده ۶۱ اساسنامه رم شد.

56. *Ibid.*

57. Draft Statute for an International Criminal Court, Report of the ILC on the work of its forty-sixth session (2 May-22 July 1994), vol. II, 2 May - 22 July 1994, A/CN.4/SER.A/1994/Add.1 (Part 2), Arts. 26 and 27.

۳-۱. معیار کفایت ادله

شاید آشکارترین نقش فرایند تأیید اتهام در دیوان، پالایش پرونده‌های بی‌اساس باشد. قبل از اینکه شخص مظنون، به دادرسی اصلی وارد شود، باید نظارت و بازنگری قضایی در خصوص کفایت ادله صورت گیرد. مرحله تأیید اتهام به معنی تأیید بی‌چون‌وچرای اتهامات منتسبه توسط دادستان نیست و گرنه وجود این مرحله، امری بی‌معنا بود.

بر اساس ماده (۳) ۶۱ و قاعده (۳) ۱۲۱ از قواعد دادرسی و ادله، دادستان باید در زمان معقولی - ظرف سی روز - برای شعبه مقدماتی و متهم، توصیفی کامل و مفصل از اتهامات انجام دهد و نیز فهرست ادله‌ای که در این مرحله، قصد استناد به آن را دارد، ارائه دهد. مقرر ۵۲ از مقررات دیوان نیز بیان می‌کند که سند اتهامی که دادستان تنظیم کرده و به شعبه ارائه می‌کند، باید متضمن بیانی از وقایع از قبیل زمان و مکان وقوع جرم باشد، به‌گونه‌ای که مبنای واقعی و قانونی کافی برای اینکه اتهامی علیه فرد یا افرادی تنظیم شود، ارائه دهد. اما نیازی نیست دادستان تمام ادله را ارائه و در واقع افشا کند بلکه باید ادله کافی ارائه دهد که شعبه از طریق آن بتواند تعیین کند که آیا قرائن اساسی وجود دارد که شخص، جرم در صلاحیت دیوان مرتکب شده است یا خیر. به همین جهت است که فرض می‌شود در پایان این مرحله، تحقیقات دادستان تکمیل شده است.

در این مرحله از دادرسی، علاوه بر دادستان، شخص مظنون نیز باید ادله مستند یا اختصاری خود را ارائه دهد (ماده (۶)-(۵) ۶۱ و قاعده (۷) ۱۲۲ از قواعد دادرسی و ادله). طرفین ملزم نیستند که همه ادله را در مرحله تأیید اتهام ارائه کنند بلکه تنها باید ادله کافی تأییدکننده یا تقویت‌کننده برای ایجاد قرائن اساسی برای باور به اینکه شخص مظنون، یکی از جرایم در صلاحیت دیوان را مرتکب شده یا خیر، ارائه شود.^{۵۸}

بررسی ادله در این مرحله از دادرسی از حالت تشریفاتى بالاتر، اما از نظر جامعیت نسبت به دادرسی اصلی، در مرتبه پایین‌تری قرار داد. به همین جهت است که شعبه مقدماتی مکلف شده است که ادله‌ای درخواست نکند که برای تعیین حقیقت ضروری است چرا که از اهداف محدود این مرحله فراتر می‌رود (ماده (۳) ۶۹). اما دادستان موظف به افشای تمامی ادله تهرئه‌آمیز است. شعبه مقدماتی در بررسی ادله باید به محدودیت‌های خاص ادله، قبل از اینکه جلسه رسیدگی اصلی برگزار شود، توجه کند تا هم منابع دیوان بهتر تخصیص یابد و هم اشخاص مظنون به ارتکاب جرم، مدت کمتری در بازداشت بمانند.^{۵۹}

دادستان صلاحیت انحصاری تعیین اتهام را در جلسه تأیید اتهامات بر عهده دارد. اصلاح

58. Ambos and Miller, "Structure and Function of the Confirmation Procedure before the ICC from a Comparative Perspective", *International Criminal Law Review* 7 (2007), p. 344.

59. Nerlich, Volker, "The Confirmation of Charges Procedure at the International Criminal Court: Advance or Failure?", *Journal of International Criminal Justice*, (2012), p. 1348.

اتهامات بر اساس ماده (۹) ۶۱ اساسنامه نیز از اختیارات دادستان است که البته منوط به رعایت تشریفات قانونی یعنی درخواست تجدید جلسه تأیید اتهام برای رعایت مؤلفه‌های دادرسی عادلانه در حق متهم است. این صلاحیت تا مرحله محاکمه نیز ادامه دارد مگر اینکه دادستان اتهامات را استرداد کند. لذا شعبه مقدماتی دیوان، حق دخالت مستقیم در تغییر یا اصلاح اتهامات را ندارد. اگرچه وضعیت‌هایی در اساسنامه پیش‌بینی شده است که ممکن است اتهامات در این وضعیت‌ها، ولو پس از طی مرحله تأیید اتهام، دستخوش تغییر شود، کلیه این موارد، حاکی از واگذاری مسئولیت انحصاری تعیین اتهامات، اصلاح و استرداد آن به دادستان است.^{۶۰}

در قضیه *باروشیماننا*، شعبه مقدماتی در خصوص ادله و کفایت آن، به‌طور مفصل نکاتی بیان داشته است. در این قضیه، با توجه به عدم کفایت ادله ارائه‌شده، اتهامات علیه *باروشیماننا* مردود اعلام شد.

در این قضیه، شعبه در تعیین اینکه آیا قرائن اساسی بر این باور وجود دارد که *باروشیماننا* جرم در صلاحیت دیوان مرتکب شده است یا خیر، بیان داشت که تا زمانی که طرفین در جلسه رسیدگی، ادله یکدیگر را به چالش نکشند، از ارزیابی ادله به جهت قابلیت پذیرش یا عدم قابلیت پذیرش آن‌ها امتناع می‌کند (ماده (۴) ۶۹ اساسنامه). اما ارزیابی عمیق در این مرحله از دادرسی، با این بخش از اساسنامه که مقرر داشته است، دادستان می‌تواند به ادله اختصاری یا مستند - مانند انشا کردن اظهارات شهود و خلاصه اظهارات شهود بی‌نام‌ونشان - استناد جوید، ناهماهنگ است. بنابراین، در این مرحله از رسیدگی، لزومی به فراخواندن شهود برای ادای شهادت نیست چرا که ارزیابی ادله به‌منظور تعیین تقصیر یا عدم تقصیر شخص مظنون نیست و ارزیابی کامل در خصوص قابلیت پذیرش هر بخش از ادله در این مرحله، موجب تأخیر بالاتوجیه دادرسی می‌شود. همچنین، این رویکرد، ناسازگار با دادرسی عادلانه و حقوق شخص مظنون است که در ماده ۶۷ تضمین شده است، به‌ویژه به‌موجب ماده (۱) (c) ۶۷ اساسنامه، یعنی حق محاکمه‌شدن بدون تأخیر ناموجه.

بدین ترتیب، شخص مظنون نیز می‌تواند ادله خود را ارائه دهد و با معرفی ادله متعارض توسط وی، شعبه به‌ناچار باید قابلیت اعتبار و ارزش این ادله را در پرتو کل ادله ارائه‌شده در این مرحله ارزیابی کند. نیز شعبه باید انسجام ذاتی هر بخش از ادله را در پرتو کل ادله ارائه‌شده ارزیابی کند و چنانچه شعبه به این نتیجه برسد که ادله‌ای ناهماهنگ، مبهم و متناقض وجود

۶۰. فاخری، صالحی؛ «رویه شعب بدوی و تجدیدنظر دیوان کیفری بین‌المللی در اصلاح اتهامات لوبانگا: از هماهنگی تا تعارض میان آیین‌نامه دیوان با اساسنامه رم» *مجله حقوقی بین‌المللی*، سال سی‌ویکم، شماره ۵۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، ص ۱۸۷.

دارد، باید در تأیید یا رد هر ادعای دادستان محتاط باشد.^{۶۱} بنا به مطالب فوق‌الذکر، شعبه مقدماتی در خصوص پرونده بمبا گومبو مقرر کرد که ادله‌ای کافی است که واجد ارزش اثباتی^{۶۲} بوده و نیز با موضوع پرونده ارتباط^{۶۳} داشته باشد. ارزش اثباتی، ارزش و وزنی است که به هر دلیل و مدرک داده می‌شود و وزن به معنی ارزیابی کیفی ادله است. شعبه به هر دلیل، ارزشی می‌دهد که مناسب آن باشد. برای مثال، قواعد دادرسی و ادله دیوان، به قضات شعبه مقدماتی اجازه می‌دهد که برای تأیید اتهامات شخص مظنون، به ادله مستقیم، مانند شهادت و نیز ادله غیرمستقیم مانند گزارش‌های نهادهای داخلی، روزنامه‌ها و مجلات استناد جویند. اما شعب به ادله مستقیم که بیانگر حقایق بیشتری است، ارزش اثباتی بالاتری نسبت به ادله غیرمستقیم می‌دهند. نیز اگر ادله تحصیل‌شده در تضاد با اساسنامه رم باشد یا به روشی تحصیل شده باشد که با حقوق بشر شناخته‌شده بین‌المللی متعارض باشد به دلیل اینکه روش تحصیل این ادله، تردید اساسی در مورد قابلیت اتکای این ادله را به وجود می‌آورد، قابل پذیرش نخواهد بود.^{۶۴}

۳-۲. معیار قرائن اساسی برای تأیید اتهام

ماده (۵) ۶۱ اساسنامه بیان می‌کند که دادستان برای هر اتهامی که وارد می‌کند، باید بتواند ادله کافی ارائه دهد تا قرائن اساسی برای باور به اینکه شخص مظنون مرتکب جرم در صلاحیت دیوان شده است، ایجاد کند. اگر بتواند چنین ادله‌ای ارائه دهد، شعبه مقدماتی، اتهام علیه شخص مظنون را تأیید می‌کند و در غیر این صورت، اتهام رد خواهد شد. به دلیل اینکه در اساسنامه و سایر اسناد مرتبط، تعریفی از معیار قرائن اساسی نشده است، ملاحظه تصمیمات شعب مقدماتی می‌تواند نتیجه‌بخش باشد. اولین فرصت برای یافتن مفهوم قرائن اساسی، در پرونده دادستان علیه لویانگا فراهم شد. در این پرونده، دادستان بیان داشت که به‌منظور تفسیر معیار قرائن اساسی برای باور، هدف فرایند تأیید اتهام باید ملاحظه شود. به‌زعم دادستان، هدف این مرحله، تضمین این مسئله است که ادله به‌قدری کافی باشد که تسلیم شخص مظنون به دادرسی اصلی را توجیه کند. از نظر دادستان، در این قضیه، معیار قرائن اساسی به معیار «یک قضیه معتبر و موثق که در صورت عدم انکار توسط متهم، مبنای کافی برای

61. Situation in the Democratic Republic of the Congo in the Case of *Prosecutor v. Callixte Mbarushimana*, Decision on the Confirmation of Charges, ICC-01/04-01/10 Date: 16 December 2011, paras. 42-47.

62. Probative value

63. Relevance

64. Courtney, Jocelyn and Kaoutzanis, Christodoulos, "Proactive Gatekeepers: The Jurisprudence of the ICC's Pre-Trial Chambers", *Chicago Journal of International Law*, vol. 15, No. 2, 2015, pp. 537-540.

محکوم کردن متهم به اتهام وارده باشد»، نزدیک است.^{۶۵}

نمایندگان قربانیان نیز بیان داشتند گرچه ممکن است تصمیم شعبه در خصوص صدور دستور بازداشت، صرفاً مبتنی بر برداشت و درک دادستان باشد، در مرحله تأیید اتهام، شعبه باید احراز کند که امارات و قرینه‌های جدی وجود دارد. شخص مظنون نیز بر این عقیده بود که ادله ارائه‌شده دادستان باید برای تحمیل حکم محکومیت به‌طور معقول کافی باشد.^{۶۶} شعبه مقدماتی نیز هدف این مرحله از دادرسی را لزوم تسلیم اشخاصی به دادرسی اصلی دانست که اتهامات آن‌ها به‌طور کافی و ورای ظن و شک محض، متقاعدکننده باشد.^{۶۷}

این شعبه در تفسیر معیار «قرائن اساسی برای باور»، به تفسیر دادگاه اروپایی حقوق بشر توسل جست. از نظر شعبه مقدماتی، دادگاه اروپایی حقوق بشر در خصوص معیار «قرائن اساسی برای باور»، دو معیار ارائه داده است:

اول اینکه، قرائن اساسی نزد دادگاه اروپایی حقوق بشر، به معنی «دلایل جدی برای باور» یا «قرائن قوی برای باور» است؛

دوم، ادله مورد بررسی باید به‌عنوان یک مجموعه و یک کل ملاحظه شود.^{۶۸}

برخی بر این عقیده‌اند که از بین این دو معیار دیوان اروپایی حقوق بشر، فقط استناد به معیار دوم صحیح است، به‌ویژه به این دلیل که بر اساس قواعد افشای ادله، دادستان قانوناً مجاز است که از ادله اختصاری در مرحله تأیید اتهام استفاده کند و نیاز نیست که به‌طور مفصل، تمام اسناد و ادله خود را در این مرحله افشا کند.^{۶۹} همین نظر در بیان شعبه مقدماتی در خصوص پرونده کاتانگا و گودجلو نیز آمده است. این شعبه اعلام کرد که در تعیین این مسئله که آیا در پرونده کاتانگا و گودجلو، معیار قرائن اساسی موجود است یا خیر، ادله‌ای که دادستان ارائه کرده است، باید به‌عنوان یک کل، بررسی و ارزیابی شود.

اما دو معیار مندرج در تفسیر اول، یعنی اصطلاحات «دلایل جدی برای باور» و «قرائن قوی برای باور»، اساساً ارتباطی به موضوع قرائن اساسی برای مرحله تأیید اتهام ندارد. چارچوب تفسیر این اصطلاحات توسط دیوان اروپایی حقوق بشر، ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بوده است که بر اساس آن، تعویق طولانی‌مدت در اجرای حکم اعدام، قرائن قوی برای باور به اینکه چنین رفتاری متضمن رفتار غیرانسانی است ایجاد می‌کند.^{۷۰}

65. Situation in the Democratic Republic of the Congo in the Case of *Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo*, decision on the confirmation of charges, ICC-01/04-01/06, 29 January 2007, para. 34.

66. *Ibid.*, paras. 35-36.

67. *Ibid.*, para. 37.

68. Decision on the confirmation of charges, ICC-01/04-01/06, 29 January 2007, para. 38.

69. Gauthier de Beco, "The Confirmation of Charges before the International Criminal Court: Evaluation and First Application", *International Criminal Law Review* 7 (2007), p. 475.

70. *Ibid.*

بدین ترتیب، در پرونده *لوبانگا* شعبه مقدماتی بدین شرح اظهار نظر کرده است که بر اساس فرهنگ لغت *آکسفورد*، عبارت اساسی^{۷۱} را می‌توان تحت عنوان *Solid* یا *Significant*، *Material* یا *Real* درک کرد. در قضیه حاضر، معیار قرائن اساسی این‌گونه معنی شده است که دادستان باید ادله اثباتی محسوس و عینی را به‌گونه‌ای ارائه دهد که از آن استنباط شود اتهامات وارده تأیید خواهد شد.^{۷۲} همچنین معیار قرائن اساسی مقتضی است که همه ادله با هدف تأیید اتهام، به‌عنوان یک کل ارزیابی شوند. پس از بررسی دقیق ادله، شعبه مقدماتی تعیین خواهد کرد که آیا به‌طور کامل متقاعد شده است که اتهامات دادستان به قدر کافی برای تسلیم *لوبانگا* به شعبه دادرسی اصلی، قوی است یا خیر.^{۷۳}

علاوه بر لزوم توجه به تفسیر دادگاه اروپایی حقوق بشر، لازم است که قواعد مندرج در دیوان رسیدگی به جرایم ارتكابی در یوگسلاوی و رواندا نیز لحاظ شود. بر اساس قاعده ۴۷(B) از قواعد دادرسی و ادله دیوان‌های ویژه، اگر دادستان متقاعد شود که ادله کافی برای ایجاد قرائن معقول برای باور به اینکه شخص، جرم در صلاحیت آن دیوان‌ها مرتکب شده است، وجود دارد، باید شکوائیه تنظیم کند و آن را به انضمام سایر ادله برای تأیید قاضی ارسال کند. همچنین این معیار را می‌توان با معیار *prima facie* در تأیید شکوائیه به‌موجب ماده (۱) ۱۹ دادگاه یوگسلاوی و ماده (۱) ۱۸ دادگاه رواندا مقایسه کرد.^{۷۴}

برخی معتقدند که دو معیار مندرج در قاعده ۴۷(B) و معیار *prima facie*، اساساً شباهتی با معیار قرائن اساسی مندرج در ماده ۶۱ اساسنامه ندارند و در حوزه‌های متفاوت اعمال می‌شوند: اول، معیار قرائن معقول برای باور در قاعده ۴۷ به جهت تأیید شکوائیه است که این مقدمه‌ای برای صدور دستور بازداشت و توقیف متهم است. این معیار، معادل قرائن معقول موضوع ماده ۵۸ اساسنامه دیوان است که معیار لازم برای صدور دستور جلب و احضار شخص مظنون است و

بر اساس قاعده *death row phenomenon*، تعویق طولانی‌مدت در اجرای حکم اعدام، نقض ماده ۳ و به‌عنوان رفتار غیرانسانی محکوم است. در صورت تعویق طولانی‌مدت حکم اعدام، قرائن قوی برای باور به اینکه چنین رفتاری متضمن رفتار غیرانسانی است، وجود خواهد داشت.

Kealeboga N. Bojosi, "The Death Row Phenomenon and the Prohibition against Torture and Cruel, Inhuman or Degrading Treatment", *African Human Rights Law Journal*, 2004, p. 317.

71. Substantial

72. ICC Prosecutor v. Lubanga, PTC, ICC- 01/05-01/08, 15 June 2009, p. 12.

73. Decision on the confirmation of charges, ICC-01/04-01/06, 29 January 2007, para. 39.

۷۴. در پرونده *لوبانگا*، دادستان بر این عقیده بود که معیار قرائن اساسی و معیار *prima facie* همانند هستند، با این بیان که، معیار قرائن اساسی برای باور، با معیار تعریف‌شده تحت عنوان «یک قضیه معتبر اگر در تضاد با ادله متهم نباشد، مبنای کافی برای محکوم کردن متهم در خصوص اتهامش باشد»، نزدیک است.

- Situation in the Democratic Republic of the Congo in the Case of the Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyllo, decision on the confirmation of charges, ICC. 01/04-01/06, 29 January 2007, para. 34.

بنابراین نمی‌تواند با معیار قرائن اساسی مندرج در ماده ۶۱ یکسان و مشابه باشد. نیز معیار *prima facie* شرط ضروری برای تنظیم شکوائیه توسط دادستان و تأیید آن توسط قاضی است که پس از آن، شرایط برای صدور دستور بازداشت و توقیف متهم فراهم می‌شود. بنابراین، هر دو معیار مندرج در قاعده (B) ۴۷ و معیار *prima facie* در مرحله قبل از تأیید اتهام واقع شده‌اند: تأیید شکوائیه نقطه آغاز یک مرحله پیش از محاکمه است، درحالی‌که تأیید اتهام پایان آن مرحله است. بنابراین فرایند تأیید شکوائیه در دادگاه‌های رواندا و یوگسلاوی با فرایند تأیید اتهام در دیوان در یک مرتبه نبوده و فرایند تأیید اتهام، نقطه پایان صلاحیت شعب مقدماتی است.^{۷۵}

در پایان، معیار قرائن اساسی نشان می‌دهد چه پرونده‌هایی شایستگی ورود به مرحله دادرسی اصلی را دارند و چه پرونده‌هایی به دلیل ضعف ادله و اطلاعات باید کنار گذاشته شوند. اما به دلیل اینکه مرحله تأیید اتهام هنوز زمان صحیح برای صدور حکم محکومیت علیه شخص نیست، نیاز نیست در این مرحله دادستان اثبات کند که متهم جرایم ادعایی را مرتکب شده است، چرا که این نه به معنی تأیید اتهام که متضمن نوعی پیش‌داوری است. بنابراین، معیار قرائن اساسی نباید آن‌قدر فرا رود که به معیار فرای هر شک معقول که شرط لازم برای صدور حکم محکومیت است، برسد. به همین دلیل، تأکید شده است که فرایند تأیید اتهام نباید به دادرسی «کوچک‌شده» یا «دادرسی قبل از دادرسی» منجر شود، بلکه نقش این مرحله صرفاً تأیید اتهام اشخاصی است که علیه آن‌ها ادله کافی وجود دارد که قرائن اساسی برای باور به اینکه آن اشخاص مرتکب جرم شده‌اند، ایجاد کند و نه تعیین تقصیر یا بی‌تقصیری شخص مظنون.^{۷۶} در قضیه کاتانگا و گودجولو، شعبه مقدماتی به‌صراحت اعلام کرد که فرایند تأیید اتهام، «دادرسی کوچک» یا «دادرسی قبل از دادرسی» نیست.^{۷۷}

نتیجه

معیار معقول‌بودن، مفهومی کلی و قابل تفسیر است که در متن نهایی اساسنامه از آن نام برده شده اما قلمرو و مفهوم دقیق آن مشخص نشده است. همین امر باعث شده است که این مفهوم در مراحل مختلف رسیدگی در دیوان، متکی به درک قضات شعبه باشد. ممکن است این درک، منتهی به صدور آرا و تصمیمات متفاوت شود. نمونه آن، پرونده جلب عمرالبشیر به اتهام نسل‌کشی است که شعب مقدماتی و تجدیدنظر، قرائن معقول و نحوه احراز آن را متفاوت تفسیر کردند: شعبه مقدماتی، تفسیری حداکثری از قرائن معقول ارائه داد که بر اساس آن، دادستان باید

75. de Beco, *op. cit.*, p. 475.

76. Nerlich, *op. cit.*, p. 1348.

77. *Prosecutor v. Germain Katanga and Mathieu Ngudjolo Chui*, ICC-01/04-01/07, Decision on the Confirmation of Charges, 30 September 2008, paras. 63-64.

قصد خاص نسل كشى را صريحاً اثبات كند. به زعم شعبه تجديد نظر، اين تفسير فراتر از انتظارات مرحله مقدماتى صدور دستور جلب است و شايبسته دادرسى اصلى است نه مقدماتى. قدر متيقن اينكه مراحل دادرسى در ديوان، هرچه پيش مى رود، معيار معقول بودن در آن مرحله، عينى تر و نیازمند ادله و اطلاعات دقيق تر است. به همين دليل، تفسير شعب از معيار مبنای معقول برای اقدام به تحقيق، قابل پيش بينى بودن وقوع جرم است و معيار قرائن معقول برای صدور دستور جلب و احضار، به ممكن بودن وقوع جرم از دید هر ناظر عينى، يا وجود نتيجه معقول در ميان ساير نتايج معقول و نيز وجود تنها نتيجه معقول تفسير شده است. در نهايت، معيار قرائن اساسى به وجود ادله عينى كافى كه تأييدكننده اتهامات وارده باشد، تفسير شده است. ضرورت وجود چنين معيارهاى در اساسنامه ديوان كيفرى بين المللى بر كسى پوشيده نيست. اقدام كيفرى نهاد بين المللى نمى تواند بدون محدوديت باشد. در غير اين صورت، فرض بى گناهى افراد مخدوش مى شود و حق افراد بر مورد اتهام واقع نشدن بدون دليل و مبنای موجه، نقض مى شود. اما شايبسته است كه قلمرو و مفهوم دقيق اين معيارها مشخص و روشن شود.

منابع:

الف. فارسی

- صالحی، محمدخلیل و مجید صادقی؛ «بررسی پرونده دوم سودان در دیوان کیفری بین‌المللی (ارجاع تا دستور جلب)»، فصلنامه پژوهش حقوقی دانشگاه قم، سال سوم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۰.
- فاخری، نریمان و جواد صالحی؛ «رویه شعب بدوی و تجدیدنظر دیوان کیفری بین‌المللی در اصلاح اتهامات لوبانگا: از هماهنگی تا تعارض میان آیین‌نامه دیوان با اساسنامه رم»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.
- محمدخانی، عباس؛ «جرایم علیه بشریت در رویه قضایی محاکم کیفری بین‌المللی سازمان ملل متحد»، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس، شماره ۱۱، دوره سوم، پاییز ۱۳۹۱.
- معاونت حقوقی و بررسی‌های فقهی، «آزمونی دشوار برای دیوان کیفری بین‌المللی: بررسی حقوقی درخواست دادستان دیوان کیفری بین‌المللی برای صدور حکم جلب رئیس‌جمهور سودان»، مجله حقوقی قضاوت، شماره ۵۷، خرداد و تیر ۱۳۸۸.

ب. انگلیسی

- Books and Articles

- Ambos, Kai, Miller, Dennis, "Structure and Function of the Confirmation Procedure before the ICC from a Comparative Perspective", *International Criminal Law Review* 7, 2007.
- Kealeboga N. Bojosi, "The Death Row Phenomenon and the Prohibition against Torture and Cruel, Inhuman or Degrading Treatment", *African Human Rights Law Journal*, 2004
- Courtney, Kaoutzanis, "Proactive Gatekeepers: The Jurisprudence of the ICC's Pre-Trial Chambers", *Chicago Journal of International Law*, vol. 15, No. 2, 2015.
- Gauthier de Beco, "The Confirmation of Charges before the International Criminal Court: Evaluation and First Application", *International Criminal Law Review* 7, 2007.
- Nerlich, Volker, "The Confirmation of Charges Procedure at the International Criminal Court Advance or Failure?", *Journal of International Criminal Justice*, 2012.
- Ramsden, Michael and Chung, Cecilia, "Reasonable Grounds to Believe': An Unreasonably Unclear Evidentiary Threshold in the ICC Statute" (June 16, 2015). *Journal of International Criminal Justice* (2015); The Chinese

University of Hong Kong Faculty of Law Research Paper No. 2015-07. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2646729>.

- Skolnik, Terry, “The Suspicious Distinction between Reasonable Suspicion and Reasonable Grounds to Believe”, available at: <http://ssrn.com/abstract=2782237>.
- Otto Triffterer, Kai Ambos, *The Rome Statute of The International Criminal Law: A Commentary*, Hart Publishing, 2015.
- Manuel J. Ventura, “The ‘Reasonable Basis to Proceed Threshold in the Kenya and Côte d’Ivoire Proprio Motu Investigation Decisions: The International Criminal Court’s Lowest Evidentiary Standard?”, *The Law and Practice of International Courts and Tribunals* (2013) 12(1).

- Decisions and Instruments

- Decision Pursuant to Article 15 of the Rome Statute on the Authorization of an Investigation into the Situation in the Republic of Côte d’Ivoire - 02/11, 3 October 2011.
- Decision on the Prosecutor’s Application for a Warrant of Arrest against Jean-Pierre Bemba Gombo (ICC-01/05-01/08), Pre-Trial Chamber III, 10 June 2008.
- Decision on the Prosecutor’s Application Pursuant to Article 58 for a Warrant of Arrest against Laurent Koudou Gbagbo, ICC-02/11-01/11 Date: 30 November 2011
- Decision on the Prosecution’s Application for a Warrant of Arrest against Omar Hassan Ahmad Al Bashir, *The Prosecutor v. Al Bashir* (ICC-02/05-01/09), Pre-Trial Chamber I, 4 March 2009.
- Decision Pursuant to Article 61(7)(a) and (b) of the Rome Statute on the Charges of the Prosecutor against Jean-Pierre Bemba Gombo, ICC-01/05-01/08, 15 June 2009, para. 59.
- European Convention on Human Rights, art. 5(1)(c).
- *Murray v. United Kingdom*, ECtHR (1994) Series A, No. 300
- *O’Hara v. The United Kingdom*, ECtHR (2001), App No. 37555/97, § 34.
- Policy Paper on Preliminary Examinations, The Office of the Prosecutor, November 2013.
- *Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo*, ICC-01/04-01/06-803-tENG, Decision on the Confirmation of Charges, PTC I, 29 January 2007.
- *Prosecutor v. Bosco Ntaganda*, ICC-01/04-02/06-309, Decision Pursuant to Article 61(7)(a) and (b) of the Rome Statute on the Charges of the Prosecutor against Bosco Ntaganda, PTC II, 9 June 2014.
- Report of the International Law Commission on the work of its forty-sixth session, UN Doc A/49/10, 2 May–22 July 1994.
- Report of the Preparatory Committee on the Establishment of an International Criminal Court, UN Doc A/CONF.183/2, 14 April 1998.

-
- Report of the International Commission of Inquiry on Darfur to the United Nations Secretary- 25 January 2005-Pursuant to Security Council Resolution 1564 of 18 September 2004.
 - Situation in the Republic of Kenya, Decision Pursuant to Article 15 of the Rome Statute on the Authorization of an Investigation into the Situation in the Republic of Kenya, Pre-Trial Chamber II, ICC-01/09-19-Corr, 31 March 2010.
 - Situation in the Democratic Republic of the Congo in the Case of the *Prosecutor v. Bosco Ntaganda*, Decision on the Prosecutor's Application under Article 58, ICC-01/04-02/06,: 13 July 2012.
 - Situation in the Democratic Republic of the Congo in the Case of the *prosecutor v. Germain Katanga and Mathieu Ngudjolo Chui*, ICC-01/04-01/07, 21 October 2011.
 - Situation in the Democratic Republic of the Congo in the Case of the *Prosecutor v. Callixte Mbarushimana*, ICC-01/04-01/10, 16 December 2011.
 - Situation in the Democratic Republic of the Congo in the Case of the *Prosecutor v. Sylvestre Mudacumura*, Decision on the Prosecutor's Application under Article 58, ICC-01/04-01/12: 13 July 2012.
 - Vienna Convention on the Law of Treaties. Concluded at Vienna on 23 May 1969.